

# خواندنگان رازی



مکرر ضوابط و آیین نامه ها، تا زیر سؤال بردن همه ساله تعریفه ارایه خدمات دارویی و تلاش برای حذف آن، تلاش های هر از چندگاه برای عینیت و رسمیت بخشیدن به داروخانه های زنجیره ای و حذف محدودیت های جمعیتی و جغرافیایی از ضوابط تأسیس داروخانه تنها بخشی از چالش هایی بوده است که در مقاطع زمانی مختلف جامعه داروسازی را درگیر و گرفتار خود ساخته است. اگر کمی ریزبینانه تر به روز شمار چالش های مذکور بنگریم کاملاً هویدا است که تحمیل چالش ها در سال های اخیر نسبت به پیش از آن فزو نی چشمگیری داشته است. نگاهی به گذشته های نه چندان دور و بررسی سوابق مطالبات صنفی و واکاوی دلایل توفیق بیشتر در پیشبرد اهداف و خواسته ها می تواند برای جامعه داروسازی در مواجه با چالش های پیش رو کمک کننده باشد.

در حدود پانزده سال پیش زمزمه های صدور

## ■ وحدت و همگرایی، حلقه مفقوده جامعه داروسازی

جناب آقای دکتر سالارمند در نامه ای به ماهنامه دارویی رازی از عدم وحدت در جامعه داروسازی گله کرده اند. شاید سال ها است که همگی ما این درد را می شناسیم و بیان می کنیم اما این روزها عدم وحدت در این جامعه می تواند به فاجعه ای بزرگ بیانجامد. با هم نامه این همکار اندیشمند را می خوانیم:

«...جامعه داروسازی کشور سال ها است که با مشکل ها و چالش های صنفی عدیده ای دست و پنجه نرم می کند. به طور خاص، اگر نگاهی اجمالی به تاریخ پانزده سال اخیر داروسازی کشور داشته باشیم، کمتر برده ای از زمان را می توان یافت که در آن آرامش و سکون بر این جامعه حکمفرما بوده است. از زمزمه های واگذاری حق تأسیس داروخانه به غیر داروسازان در مناطق محروم و تغییرهای

که در هر جامعه‌ای سلاطیق، ایده‌ها، خواسته‌ها و مطلوبات متفاوتی وجود دارد. تجارب جوامع مختلف نشان می‌دهد اگر گروه‌های مختلف بدون در نظر گرفتن منافع و مصالح جمعی تنها در راستای عملی ساختن خواسته‌ها و مطالبات خویش حرکت نماید دیری نخواهد پایید که نه تنها هیچ گروهی در دست یابی به اهدافش توفيقی به دست نخواهد آورد بلکه شیرازه کل جامعه از هم خواهد گست. به عبارت بهتر، مدارای اجتماعی که در حقیقت همان پرهیز از فردگرایی و اولویت دادن منافع جمعی بر منافع فردی است تنها ضامن بقای یک جامعه است. اکثر اندیشمندان علوم اجتماعی همیشه معتقد به مدارای اجتماعی هستند و آن را برای بقای یک جامعه ضروری می‌دانند.

با این وصف می‌توان گفت اگر مدیریت یک جامعه (در اینجا جامعه داروسازی) در انحصار گروه خاصی نباشد و منابع جامعه به اشتراک همه گروه‌ها و افراد باشد می‌توان امیدوار بود تمامی گروه‌ها منافع جمعی را بر منافع فردی ارجح بدانند. به عبارت دیگر در شرایط عدالت اجتماعی، همه افراد و گروه‌ها باید در اصول، ارزش‌ها و هنجارهای عام که منافع همه آنان را در بر می‌گیرد با یکدیگر تبانی نموده و در جزئیات امور با یکدیگر به مدارا رفتار کنند. در عین حال که هر فرد یا گروه این امکان را داشته باشد تا در عرصه خاص‌تر که با منافع گروه‌های دیگر در تضاد قرار نمی‌گیرد، آزادی اندیشه و عمل داشته باشد و گروه‌های دیگر این حق را برای او محترم شمارند.

فروید معتقد است منافع جمعی، شکلی فرافکنی شده از منافع فردی هستند. در حقیقت به محض

مجوز تأسیس داروخانه برای پزشکان در مناطق محروم بالا گرفت و البته این طرح حمایت‌های معاونت غذا و دارو وزارت بهداشت در آن زمان را هم به همراه خود داشت. همزمان با مطرح شدن این پیشنهاد در محافل عمومی و انتشار مکاتبه‌های مربوط به آن، اعتراض‌های صنفی در کل بدن داروسازی کشور فراگیر شد. اعتراض‌ها به حدی فراگیر شد که تعدادی از دانشکده‌های داروسازی کشور به علت عدم حضور دانشجویان در اعتراض به تصمیم مذکور، به تعطیلی کشانده شد. نتیجه کاملاً مشخص بود. پس از چند روز اعتراض فراگیر توسط داروسازان و دانشجویان، موضوع مسکوت و در نهایت متوقف گردید.

در سال‌های بعد از آن نیز در مواردی مانند لغو حق فنی توسط دیوان عدالت اداری و مطرح شدن موضوع تأسیس داروخانه‌های زنجیره‌ای، نظر واحد قاطبه جامعه داروسازی کشور و یکپارچگی در بیان خواسته‌ها موجب شد شرایط آن گونه که داروسازان انتظار داشتند پیش رود. البته، در این بین تشكل‌های صنفی در وقت بخشیدن و سازماندهی به آحاد مختلف جامعه داروسازی نقشی بی‌بدیل و انکارناشدنی داشتند.

متاسفانه، در سال‌های اخیر تعداد و تنابع ایجاد چالش‌ها فزونی قابل توجهی گرفته است و شوربختانه برخلاف سالیان نه چندان دور، جامعه داروسازی در عبور از چالش‌های تحمیلی چندان موفق عمل نکرده است. اگر بخواهیم عوامل این عدم توفیق را دسته‌بندی کنیم، ترسیم مرزبندی و ایجاد تفرقه میان آحاد مختلف داروسازی در جایگاه نخست قرار می‌گیرد. شکی وجود ندارد

دستیابی به آرمان‌ها و حفظ یکپارچگی و جلوگیری از گسست جامعه داروسازی برخوردار هستند. پر واضح است که به علت گستردگی حجم کارها، پیچیدگی مشکل‌ها و در هم تنیدگی بخش‌های مختلف نظام دارویی کشور و در نهایت محدود بودن امکانات و منابع، قطعاً یک انجمن به تنها بی امکان تأثیرگذاری مطلق در نظام دارویی کشور را نخواهد داشت و نمی‌توان با هدایت‌های فردی و انفرادی انتظار کسب نتایج شگرف از فعالیت‌های یک انجمن داشت. ترویج و تولید اندیشه و راهکار برای حل مشکل‌های امروز داروسازی کشور فقط و فقط در سایه هم‌گرایی تمامی گروه‌ها و پرهیز از تفرق امکان‌پذیر است و با در نظر گرفتن خیل عظیم مشکل‌هایی که «داروسازی» به آن مبتلا است، گروه‌های مختلف اعم از مسؤولان فنی، مؤسسان داروخانه، داروسازان شاغل در صنایع، داروسازان شاغل در بیمارستان‌ها، صاحبان صنایع و حتی دانشجویان باید با در نظر گرفتن صلاح و منفعت کل جامعه داروسازی آرمان‌های خود را دنبال کنند و البته، نباید فراموش کرد که آرمان‌گرایی باید با در نظر گرفتن واقعیت‌های امروز جامعه باشد چرا که آرمان‌گرایی غیرمبنی بر واقعیت، آرمان‌گرایی تخیلی است و تنها نتیجه آن ازین رفتن سرمایه‌ها است...»

شکل‌گیری تمدن و قانون، منافع جمعی شکل می‌گیرد. با این حساب هرقدر که بی‌اعتنایی به منافع جمعی در درون جامعه‌ای ظاهر و آشکار شود، اساساً وجود کل انسجام یافته‌های به نام جامعه، مستلزم مصادره بخشی از منافع فردی به سود نظم بخشی اجتماع خواهد بود.

با این اوصاف امروز لازم است همه ما به این باور برسیم که بخش‌های مختلف جامعه داروسازی به مثابه حلقه‌های به هم پیوسته زنجیره‌ای هستند که جدایی و گسست آنها از یکدیگر منجر به از میان رفتن کل زنجیره خواهد شد. نمی‌توان انتظار داشت تمامی خواسته‌ها و مطالبات یک گروه بدون در نظر گرفتن شرایط دیگران برآورده گردد و نظم حاکم در این جامعه نه چندان بزرگ کماکان پا بر جای بماند. در واقع، باید پذیرفت که بروز هرگونه بی‌نظمی و نقص در هر یک از اجزا چرخه دارویی کشور به سرعت ثبات و نظم سایر اجزا را تحت تأثیر قرار خواهد و مشکل‌هایی را از حلقه‌ای به حلقه دیگر تسری خواهد داد.

در این بین علاوه بر مسؤولیت مستقیم یکایک داروسازان نسبت به یکدیگر، نهادهای صنفی نظیر انجمن‌ها، سندیکاهای شوراهای و کانون‌ها، به عنوان مجلجا و مأمن داروسازان از جایگاه ویژه‌ای برای